

درحالی‌که درماجرای قطر، اجماع جهانی علیه اسرائیل وجود دارد؛ اپوزیسیون رادیکال ایرانی حامی این جنایت است

اشتباه بزرگ اسرائیل در حمله به محل جلسه اعضای حماس در دوحه قطر که البته به نتیجه نیز نرسید باعث شد تا حتی متحدان سنتی اسرائیل نیز ناچار شوند علیه این رژیم موضع بگیرند.
باینابه محکومیت اقدام اسرائیل توسط تروئیکا اروپایی هم‌زمان با تصویب یک قطعنامه حداقلی در سازمان ملل که موجودیت فلسطین را به رسمیت می‌شناسد، نشان می‌دهد که اسرائیل روزه روز با سرعت بیشتری به سمت انزوای جهانی حرکت می‌کند؛ اما در این انزوا اپوزیسیون ایرانی همچنان خود را متعهد به اسرائیل می‌بیند.
حتی ترامپ نیز حداقل در ظاهر ناراحتی خود نسبت به اقدام نتانیاهو را ابراز کرده تا از پاسخ‌گویی به متحدان حاشیه خلیج فارس ظفره برود با این وجود اپوزیسیون پروژه‌گیر برای دفاع از اقدام غیرقابل توجیه اسرائیل حداکثر تلاش خود را به کار گرفته‌اند.

■ ■ ■

اپوزیسیون از ترامپ هم صهیونیست‌ترشدند
ترامپ، که معمولاً موضع‌گیری‌هایش در حمایت از رژیم صهیونیستی شناخته می‌شود، ناچار شد بگوید که از تمام جنبه‌های این اتفاق بسیار ناراضی است. در این فضای محکومیت جهانی که حتی ترامپ نیز قدرت تداوم حمایت از اسرائیل را ندارد، اپوزیسیون ایرانی وابسته به رژیم صهیونیستی، از جمله رسانه تروریستی اینترنشنال، در وایستگی خود به این رژیم غرق شده و حتی در این مورد نیز از آن دفاع می‌کند. این رسانه در ابتداسعی کرد باسکوت از کنار این تنش آفرینی عبور کند و به غیر از انتشار اخبار، موضع‌گیری واضحی نداشته باشد. اما به تدریج، خط مشی خود را آشکار کرد. آن‌ها تأکید دارند که رژیم صهیونیستی این اقدام را با هماهنگی ایالات متحده انجام داده و نه به صورت مستقل. سپس، جهت‌گیری را به سمت نقش منفی دوحه به دلیل میزبانی از رهبران حماس تغییر دادند تا حمله به آن را مشروع جلوه دهند. این رسانه‌ها خط رژیم صهیونیستی را ادامه می‌دهند که ترورها به دلیل کارشنکی در مقابل آزادی اسرای اسرائیلی بوده است. این در حالی است که اعضای حماس در حال مذاکرات آتش‌بس بودند و مذاکره به معنای دادوستد است، نه اطاعت‌پذیری. اما اینترنشنال، همسو با رژیم صهیونیستی، می‌گوید چون در مقابل خواسته حداکثری نتانیاهو آن هم بدون هیچ تضمینی در مورد عدم تداوم تهاجم پس از تبادل اسرا اطاعت نکردند، کارشنکی کرده‌اند و باید هدف قرار می‌گرفتند تا خواسته‌های نتانیاهو در غزه بدون هزینه تأمین شود. این شهرسانه تروریستی همچنین با این استدلال که ایران به پایگاه العدید در قطر حمله کرده، سعی می‌کنند محکومیت‌های حمله به قطر را تسمخ‌ر کنند. اما این مقایسه نادرست است، زیرا ایران پس از حمله نظامی ایالات متحده به فردو، به پایگاه نظامی آمریکا در قطر حمله کرد، در حالی که رژیم صهیونیستی به جلسه سران حماس، یعنی یک جمع دیپلماتیک و نه نظامی، در محیط شهری قطر حمله کرده است. این دو اقدام به هیچ عنوان برابر نیستند، اما شبکه اینترنشنال برای مشروعیت‌بخشی به حمله رژیم صهیونیستی، این کار را انجام می‌دهد. این رویکرد نشان‌دهنده وابستگی عمیق این رسانه‌ها به منافع رژیم صهیونیستی است و آن‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که حتی در برابر محکومیت‌های جهانی از این رژیم دفاع کنند. این وابستگی به این دلیل است که آن‌ها هدف خود را براندازی جمهوری اسلامی می‌دانند و در این مسیر هر اقدامی که کشتن مردم می‌دفاع را مشروع می‌دانند و چون خودشان توانایی این کار را ندارند و مردم نیز با آن‌ها همراه نیستند بنابراین وابسته به نیروی خارجی بوده و امیدوارند رژیم صهیونیستی بتواند این کار را برایشان انجام دهد به همین دلیل در این انزوای حداکثری بازم هم تال آویرو را نمی‌کنند.

انزوا به روایت اقتصاد

همراهی اپوزیسیون با رژیم صهیونیستی در ماجرای حمله به قطر محدود نشده و آن‌ها از جنایات این رژیم در غزه، حمله به ایران و تنش آفرینی

در منطقه حمایت می‌کنند، در حالی که رژیم صهیونیستی به سمت انزوا حرکت می‌کند. علاوه بر تجمعات خیابانی در سرتاسر جهان علیه رویکرد ضد بشری اسرائیل، شرکت‌های مختلف به مرور در مسیر کاهش مرادوات خود با این رژیم قرار گرفته‌اند. پایگاه اقتصادی کالکالیست به نقل از منابع رژیم صهیونیستی گزارش داده که این رژیم به دلیل جنایت در غزه و تشدید بحران فاجعه انسانی، با تحریم‌های خاموش و غیررسمی از سوی کشورهای دیگر مواجه شده است. کالکالیست نوشته که هم‌زمان با افزایش بحران فاجعه انسانی، موارد متعددی از تعلیق همکاری تجاری با شرکت‌های رژیم صهیونیستی، امتناع از امضای قرارداد یا خودداری از پاسخ به مکاتبات در چند ماه گذشته ثبت شده است. همان‌طور که دنیا در دهه‌های گذشته به دولت آپارتاید آفریقا پشت کرد، رژیم صهیونیستی نیز امروز تحریم‌های غیر مستقیم و فاصله‌گذاری مداوم را تجربه می‌کند. این روزنامه اقتصادی با اشاره به پدیده تحریم پنهانی و زنده رژیم صهیونیستی از سوی کشورهای غربی و عربی تصریح کرده که صندوق‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاری در رژیم صهیونیستی را تعطیل کرده‌اند و بانک‌های بین‌المللی نیز همکاری خود را با شرکت‌های رژیم صهیونیستی تعلیق کرده‌اند. افزون بر این، شرکت‌های بین‌المللی تجاری با تحریم‌های خاموش علیه رژیم صهیونیستی فعالیت خود را کاهش داده‌اند و صادرات کالا به رژیم صهیونیستی با روند بسیار کندی مواجه است.

سرزمین‌های اشغالی به‌عنوان یک مقصد تجاری، دیگر جذابیت خود را از دست داده و تحت تحریم خاموش شرکت‌های بین‌المللی قرار گرفته است. تحریم‌های خاموش و خزنده، بر صنایع اصلی رژیم صهیونیستی، شرکت‌های فناوری پیشرفته تأثیر قابل توجهی گذاشته است. در حوزه فناوری پیشرفته گزارش‌هایی از لغو توافق‌نامه‌ها، انصراف از سرمایه‌گذاری‌های برنامه‌ریزی‌شده و ترجیح آشکار به جایگزین‌های غیر رژیم صهیونیستی وجود دارد. در عرصه تجاری و خصوصی نیز، برگزارکنندگان نمایشگاه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی نمایندگان رژیم صهیونیستی را از شرکت در این نمایشگاه‌ها منع، حذف و یا از شرکت در آن‌ها خودداری می‌کنند. در همین ارتباط، یانیر آسولین، مدیرعامل شرکت وارداتی استل گفته است شرکتش با پاکوت غیر رسمی برخی از تأمین‌کنندگان اروپایی و عربی مواجه است. شرکت‌های بزرگ اروپایی به دلایل سیاسی فاش نشده از معامله با بازار رژیم صهیونیستی خودداری کرده‌اند. اتاق‌های بازرگانی رژیم صهیونیستی نیز تأیید کرده‌اند که ترکیه اعمال محدودیت‌هایی بر ترافیک دریایی، از جمله جلوگیری از پهلوگیری کشتی‌های رژیم صهیونیستی در بنادر ترکیه و ممنوعیت عبور و مرور از خاک خود را آغاز کرده است.

همچنین برخی از استارت‌اپ‌ها به دلیل ترس از پیامدهای سیاسی، تصمیم گرفته‌اند پول خود را در رژیم صهیونیستی سرمایه‌گذاری نکنند، در حالی که برخی دیگر برای جلوگیری از طرد شدن احتمالی از سوی شرکای خارجی، شروع به کاهش روابط خود با شرکت‌های رژیم صهیونیستی کرده‌اند. شرکت‌های رژیم صهیونیستی همچنین از موانع غیر معمول در تمدید خطوط اعتباری از بانک‌های اروپایی و تأخیر در ورود کارشناسان خارجی به دلایلی غیر از امنیت خبر داده‌اند که اجرای پروژه‌های مهم زیرساخت انرژی را به تأخیر می‌اندازند.

ارتباط با رژیم صهیونیستی اکنون به عنوان یک عامل بازدارنده برای سرمایه‌گذاران تلقی می‌شود و به‌طور بالقوه به وجهه و اعتبار این رژیم برای نوآوری آسیب می‌رساند. از سوی دیگر، ران تورم، رئیس انجمن تولیدکنندگان رژیم صهیونیستی گفته که اظهارات سیاسی افراطی برخی از مقامات رژیم صهیونیستی به تشدید این تحریم کمک کرده است و هشدار داده که بازسازی روابط بین‌المللی بسیار دشوارتر از احیای دستاوردهای اقتصادی خواهد بود.

یک کنش آکادمیک علیه هویت بین‌المللی اسرائیل

دانشگاه‌ها به عرصه جدیدی برای پاکوت تبدیل شده‌اند، به طوری

درحالی‌که درماجرای قطر، اجماع جهانی علیه اسرائیل وجود دارد؛ اپوزیسیون رادیکال ایرانی حامی این جنایت است

نتانیاهو موند و این هیولاها

که درصد تحقیقات مشترک با مشارکت محققان رژیم صهیونیستی طی جنگ غزه کاهش یافته و کمک‌های مالی ارائه شده اتحادیه اروپا به آن‌ها تحت برنامه تحقیقاتی هورایزن کاهش یافته است. در ماه گذشته، انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی، عضویت انجمن رژیم صهیونیستی را به حالت تعلیق درآورد، در حالی که دانشگاه‌های اروپایی، از جمله دانشگاه خنت در بلژیک و دانشگاه والنسیا در اسپانیا، به دلیل مشارکت رژیم صهیونیستی در پروژه‌های تحقیقاتی، انصراف خود را از این پروژه‌ها اعلام کرده‌اند. افزون بر اینکه محققان رژیم صهیونیستی با امتناع از بررسی مقالات خود مواجه هستند، همچنین میزان انتشارات مقالات علمی آن‌ها در سراسر جهان رو به کاهش گذاشته است.

روایت رسانه‌های رژیم صهیونیستی در جهان به فروپاشی رسیده است، اعتماد جهانیان به رژیم صهیونیستی از بین رفته است و به این زودی بازسازی نخواهد شد. در گفتمان جهانی، رژیم صهیونیستی مشروعیت بین‌المللی خود را از دست داده و در ارائه روایتی جدید و امیدوارکننده شکست خورده است. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی در حالی که این تحریم‌ها را گاهی به عنوان پهم‌ستیزی خشنوت‌آمیز و گاهی به عنوان انکار حق موجودیت رژیم صهیونیستی توصیف می‌کند، هیچ‌گونه تلاش واقعی برای تغییر تصویر، نه در سطح دیپلماسی عمومی و نه در سطح اطلاعات انجام نداده است. مشروعیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی با گذشت نزدیک به دو سال از جنگ غزه و تداوم نسل‌کشی، در پایین‌ترین حد خود قرار دارد و این رژیم همچنان بدون هیچ‌گونه هدف سیاسی مشخصی در غزه جنایت خود را ادامه می‌دهد.

جامعه ورزش و هنر علیه اسرائیل

علاوه بر حوزه اقتصادی، در عرصه ورزشی نیز رژیم صهیونیستی با انزوا مواجه است. در حالی که فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی در رویکرد دوگانه خود روسیه را از رویدادهای ورزشی محروم کرده اما چشم بر کشتار ده‌ها هزار نفری اسرائیل بسته و واکنش عملی در مقابل این رژیم ندارند، مردم و ورزشکاران به صورت خودجوش مسیر انزوای اسرائیل را با زورتری می‌کنند. در جدیدترین نمونه‌ها، روانالدو از همکاری با یک کمپانی رژیم صهیونیستی و تبلیغ محصولاتش خودداری کرد که خشم رسانه‌های صهیونیست را در پی داشت. همچنین تیم دوچرخه‌سواران رژیم صهیونیستی در مسابقات تایم تریل اسپانیا زمانی که به منطقه آستوریاس رسیدند توسط حامیان فلسطین مورد اعتراض قرار گرفتند و در ادامه به دلیل فشارهای شدید مردمی مجبور شدند که لوگوی ستاره داوود را از لباس‌های تیم بردارند تا حساسیت را پایین‌بیاورند و حتی نام رژیم صهیونیستی را سانسور کردند و با عنوان پر میر تک در ادامه مسابقات شرکت کردند. اما پوشیدن لباس میدل نیز دوچرخه‌سواران رژیم صهیونیستی را از کابوس محاصره توسط حامیان فلسطین نجات نداد.

علاوه بر ورزش، تا کنون هنرندان بسیاری در سرتاسر جهان علیه جنایات رژیم صهیونیستی موضع‌گیری کرده‌اند. چند روز پیش بیش از هزار نفر از فعالان حوزه سینما و تلوویزیون از حمله برندگان جوایز اسکار، بشا و اسی باینیانه را امضا کرده‌اند که در آن تعهد داده‌اند با نهاده‌ا و شرکت‌های رژیم صهیونیستی که در جنایت نسل‌کشی و پاکسازی قومی علیه مردم فلسطین دست دارند، همکاری نکنند. سال گذشته نیز بیش از هفت هزار نویسنده و فعال حوزه نشر بیانیه مشابهی را امضا کردند که در آن به تحریم صنعت نشر رژیم صهیونیستی پرداختند. در این فضای انزوا، اپوزیسیون ایرانی برای کاسبی براندازی خود را تمام‌قد در اختیار نتانیاهو قرار داده است. اپوزیسیون، علی‌رغم تمام نشانه‌های انزوا، از جمله محکومیت‌های بین‌المللی حمله به قطر، تحریم‌های اقتصادی خاموش، فشارهای مردمی در عرصه ورزش و موضع‌گیری هنرندان، همچنان به حمایت از رژیم صهیونیستی ادامه می‌دهد تا به قیمت حفظ رانت مالی در مسیر این انزوای جهانی با نتانیاهو هم قدم باشد.

درحالی‌که درماجرای قطر، اجماع جهانی علیه اسرائیل وجود دارد؛ اپوزیسیون رادیکال ایرانی حامی این جنایت است

وقت واقعی کافی نیست

میثم رمضانعلی خبرنگار

در دنیای امروز، افکار عمومی بیش از هر زمان دیگری در تعیین سرنوشت حکومت‌ها نقش دارد. آنچه در ذهن مردم شکل می‌گیرد، گاه مهم‌تر از اقدامات واقعی و عینی دستگاه‌های حکومتی است. یک پروژه بزرگ عمرانی، یک بسته حمایتی یا حتی یک موفقیت دیپلماتیک، اگر در چهارچوب اقتاع عمومی ارائه نشود، در ذهن جامعه با به چشم نمی‌آید یا حتی برعکس، به‌عنوان منبع بی‌اعتمادی تفسیر می‌شود. به همین دلیل، می‌توان گفت تصویر حکومت در افکار عمومی بیش از آنکه محصول کارهای انجام‌شده باشد، حاصل چگونگی روایت و اقتاع است.

واژه اقتاع در ادبیات ارتباطات، جایگاهی متفاوت از تبلیغ صرف دارد. تبلیغ تنها به انتقال پیام می‌پردازد؛ یک جریان یک‌طرفه که گوینده می‌گوید و شنونده فقط دریافت می‌کند. اما اقتاع فرایندی دوسویه است؛ شنیدن، پاسخ‌دادن، استدلال‌کردن و همراه‌کردن. در اقتاع، افکار عمومی صرفاً مخاطب منفعل نیست، بلکه بازیگری فعال است که باید پرسش‌ها و دغدغه‌هایش جدی گرفته شود. پروپاگاندا در کوتاه‌مدت شاید بتواند ذهن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، اما در بلندمدت نتیجه معکوس دارد. مردم در عصر رسانه‌های اجتماعی، قدرت مقایسه و سنجش بسیار بالاتری یافته‌اند. دیگر نمی‌توان تنها با تکرار شعارها، ذهن‌ها را قانع کرد. اگر تبلیغ یک‌سویه بدون اقتاع تکرار شود، نتیجه آن چیزی جز فاصله گرفتن جامعه از روایت رسمی نیست.

تجربه نشان داده است که واقعیت‌های عینی، به‌تنهایی تصویر مثبت برای حکومت ایجاد نمی‌کنند. مثلاً در سال‌های پس از انقلاب در عرصه‌های گوناگون، پروژه‌های عمرانی و زیرساختی فرهنگی و اجتماعی گوناگونی انجام شده است. اما پرسش این است که چند درصد از این اقدامات به‌سرمایه اجتماعی حکومت افزوده‌اند؟ مسئله این است که اقتاع عمومی پیرامون چرایی، چگونگی و پیامدهای این پروژه‌ها آن‌قدر که باید انجام نشده است. مردم با پی‌خبر ماندند یا این اقدامات را بخشی از وظایف بدیهی حکومت دانستند، نه خدেমی ویژه. نمونه دیگر، ماجرای افزایش قیمت بنزین در آبان ۹۸ بود. تصمیمی که از نظر اقتصادی و مدیریتی قابل دفاع بود، اما چون اقتاع عمومی درباره اهداف و ضرورت‌های آن شکل نگرفت، در افکار عمومی به‌عنوان اقدامی ناگهانی و پنهان‌کارانه تلقی شد. در نتیجه، به‌جای آنکه به تقویت سرمایه اجتماعی دولت بینجامد، موجی از بی‌اعتمادی و اعتراض را برانگیخت. این تجربه نشان داد که حتی سیاستی که می‌تواند در درازمدت به نفع کشور باشد، اگر بدون گفت‌وگوی پیشینی و اقتاع جامعه اجرا شود، به بحرانی اجتماعی و سیاسی تبدیل خواهد شد. در حالی‌که اگر فرایند اقتاع پیش از اجرا جدی گرفته می‌شد، همان تصمیم می‌توانست به نمادی از صداقت و شفافیت در مدیریت اقتصادی بدل شود.

یا در جریان واکنسیاسیون کرونا، ضعف و قوت در اقتاع عمومی به‌خوبی آشکار شد. در دوره‌ای که روایت‌های متناقض و شایعات در فضای مجازی منتشر می‌شد، نبود اقتاع شفاف و به‌موقع باعث شد بخشی از جامعه نسبت به واکنسیاسیون بی‌اعتماد بماند. اما با ورود رسانه‌ها و گفت‌وگوی بیشتر با مردم، میزان استقبال از واکنس به‌تدریج افزایش یافت. این نشان داد که اقتاع، مستقیماً بر جان و سلامت مردم هم اثر می‌گذارد. رسانه‌ها ستون اصلی اقتاع عمومی هستند. اگر رسانه به تریبونی یک‌طرفه و صرفاً تبلیغاتی تبدیل شود، مردم آن را کنار می‌گذارند و به منابع جایگزین روی می‌آورند. اقتاع زمانی شکل می‌گیرد که رسانه بستر گفت‌وگو باشد؛ یعنی پرسش‌های واقعی جامعه را بازتاب دهد، به نقدها میدان دهد و در کنار آن، استدلال‌ها و پاسخ‌های حکومت را نیز شفاف بیان کند. از سوی دیگر، نخبگان اجتماعی و فرهنگی نقش واسطه‌ای حیاتی دارند. دانشگاهیان، روحانیون، فعالان رسانه‌ای و حتی چهره‌های هنری، پل ارتباطی میان حکومت و مردم هستند. اگر این نخبگان اقتاع شوند و استدلال‌های حکومت را بپذیرند، می‌توانند آن را با زبان مردم به جامعه منتقل کنند. اما اگر این فرایند اقتاع نخبگان نادیده گرفته شود، فاصله آنان از حکومت، به‌سرعت به فاصله افکار عمومی تبدیل خواهد شد.

سرمایه اجتماعی حکومت، یعنی همان اعتماد و همراهی مردم، بیش از هر چیز بر اقتاع بنا می‌شود. خدمات حکومتی، بدون اقتاع، به سرمایه اجتماعی تبدیل نمی‌شوند. اعتماد عمومی یک سرمایه انباشتی است؛ هر بار که حکومت با مردم صادقانه گفت‌وگو کند و دلایل و استدلال‌های خود را روشن سازد، این سرمایه بیشتر می‌شود و برعکس، هر بار که تصمیمی بدون اقتاع گرفته شود، حتی اگر در ظاهر موفقیت‌آمیز باشد، بخشی از این سرمایه از دست می‌رود. به بیان دیگر، اقتاع نه‌تنها تصویر حکومت در افکار عمومی را می‌سازد، بلکه اساساً شرط بقای آن تصویر است. حکومتی که به اقتاع بی‌اعتنا باشد، ناخواسته تصویر خود را به رقبای رسانه‌ای و مخالفان می‌سپارد تا آن را هر طور که می‌خواهند بازسازی کنند.

تصویر حکومت در افکار عمومی، نتیجه مستقیم اقتاع یا نبود آن است. بدون اقتاع، حتی بزرگ‌ترین خدمات و موفقیت‌ها کپ‌رنگ یا وارونه جلوه می‌کنند. اما با اقتاع، حتی اقدامات کوچک هم می‌توانند به نمادی از اعتماد و همراهی بدل شوند. امروز بیش از هر زمان دیگری، حکومت باید اقتاع را در مرکز استراتژی ارتباطی خود قرار دهد. این یعنی شنیدن صداهای جامعه، پاسخ دادن به پرسش‌ها، استفاده از رسانه به‌عنوان بستر گفت‌وگو و به‌کارگیری نخبگان به‌عنوان میانجی‌های اقتاع. در چنین شرایطی، تصویری که از حکومت در ذهن مردم شکل می‌گیرد، نه یک تصویر تحمیلی و مصنوعی، بلکه بازتابی واقعی از اعتماد متقابل خواهد بود. تصویری که در نهایت، بزرگ‌ترین پشتوانه برای اداره جامعه و عبور از بحران‌ها خواهد بود.

فرهنگ‌نگاران

فرهنگ‌نگاران

فرهنگ‌نگاران

فرهنگ‌نگاران

فرهنگ‌نگاران

فرهنگ‌نگاران

فرهنگ‌نگاران

فرهنگ‌نگاران